

نقش افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۲۲/۷/۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۵/۹/۱۳۹۹

احمد وحیدی منش^۱

حسین فرحی^۲

سعید منصوری^۳

حمیدرضا علیخانی کردشاهی^۴

چکیده

زمینه و هدف: از عوامل اصلی ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت‌ها، وحشت از جنگ می‌باشد که به صورت انگیزه‌ای برای همکاری بین‌المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی درآمده است. یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن سفیران صلح و افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح و امنیت است. در این راستا اقدامات افراد غیردولتی برای حل و فصل مناقشات دارای اهمیتی حیاتی است؛ چرا که بیشتر این افراد و سازمان‌ها بعنوان نهادها و اشخاص فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تأثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا می‌باشند. می‌توان صلح را ماهیت اصلی مداخله افراد و سفیران صلح دانست. به همین دلیل هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان کارکرد افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی در تأمین صلح جهانی می‌باشد.

روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر تحلیلی-توصیفی است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری داده‌های پژوهش گردآوری گردید.

یافته‌ها و نتایج: فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که با وجود حقوق و وظایفی که سفیران صلح در چهارچوب قوانین خود، برای حفظ صلح وضع کرده‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین صلح جهانی دارا می‌باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و افراد و اشخاص وابسته به این نهادها در لوای سفیران صلح به دو دسته سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند، هرکدام از این سازمانها در زمینه صلح فعالیت‌های زیادی داشته‌اند اما امروز به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان غیردولتی در تأمین صلح جهانی و سفیران صلح در کشورهای مختلف بدون زیر مجموعه قرار گرفتن در زمره دولتها می‌باشیم.

کلیدواژگان: سازمان‌های مردم‌نهاد، سفیران صلح، حقوق بین‌الملل، صلح جهانی، امنیت.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. vahidimanesh@mail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. (نویسنده مسئول). farahihosseini@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. dr.mansouri63@gmail.com

^۴ استادیار گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. h.alikhani372@gmail.com

سازمان مردم نهاد یا سمن به اشکال مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به بافت کلامی که در آن مورد استفاده قرار گرفته، به انواع گوناگون سازمان‌ها اشاره می‌کند (منصوریان و آجرلو، ۱۴۰۰: ۵۲). بنابراین ضروری است که هم سازمان‌های مردم نهاد و هم افراد خود در پویایی، بالندی و مدیریت مناسب و ارائه خدمات مطلوب به هم‌نوعان بکوشند و هم دولت و مسئولین در این مسیر به آنها مساعدت کنند (تامینانیا، ۲۰۱۸: ۶). اصطلاح مذکور برای نخستین بار در قطعنامه شورای اجتماعی-اقتصادی سازمان ملل متحد در فوریه سال ۱۹۵۰ به عنوان هر نوع سازمان بین‌المللی که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد به کار گرفته شد. این تعریف نشان می‌دهد که سازمان‌های یاد شده جنبه بین‌المللی نیز به خود گرفته‌اند (سعیدی، ۱۳۹۸: ۸۹). همچنین انجمن‌های خیریه که بودجه مخصوص را صرف توسعه، توزیع غذا و خدمات مشاوره‌ای خانوادگی و سازماندهی می‌نمایند، تعاونی‌های مستقل، انجمن‌های اجتماعی، انجمن‌های مذهبی، انجمن‌های خدماتی و گروه‌های زنان شامل سازمان‌های مردم نهاد می‌گردند (امینی، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

سازمان‌های مردم نهاد، تشکل یا سازمانی از گروه‌های داوطلب مردمی است که غیردولتی، غیرانتفاعی بوده و هدف آن رفع نیاز کل جامعه یا گروه‌هایی از جامعه می‌باشد. البته سازمان مردم‌نهاد ویژگی‌های دیگری همچون شفافیت در نوع فعالیت، دسترسی آسان به حساب‌ها و منابع مالی و عضوپذیری باز را دارا می‌باشد. این سازمان‌ها عموماً در راستای توانمند کردن گروه‌های محروم از نظر اجتماعی و اقتصادی فعالیت می‌کنند. لذا سمن‌ها (سازمان‌های مردم نهاد) شامل افرادی هم هدف و داوطلب با گرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیر اقتصادی است که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده‌اند (طلوعی مقدم و داودی گرمارودی، ۱۴۰۰: ۲۲). یکی از مهمترین خصوصیات NGOها، داوطلبانه بودن آنهاست که با توجه به نیاز جامعه ایجاد می‌شود. چند نفر دور هم جمع می‌شوند و به این نتیجه می‌رسند که بطور مثال با مصرف یا پخش مواد مخدر به صورت داوطلبانه و خودجوش مبارزه کنند. البته یک NGO مجاز است فعالیت‌های خودش را سامان دهد و اگر کارش به نتیجه برسد درآمد هم کسب کند و این فقط در راه توسعه و اهداف تشکیلات خودش است و سود در NGO معنا ندارد، سمن‌ها سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های شهروندی داوطلب، گروه‌های نفع عامه یا خیریه و بالاخص سفیران صلح هیچ کاری به مسئولیت دولت ندارند و در بعضی جاها از مطالبات مردم در مقابل دولت دفاع می‌کنند یعنی مجاز به انتقاد از دولت می‌باشند.

سه نوع سازمان غیردولتی را می‌توان از یکدیگر متمایز نمود: الف) شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری موضوع قانون تجارت، ب) موسسات غیر دولتی خاص و تخصصی، ج) سازمان‌های

مردم‌نهاد (سمن‌ها یا NGO ها) (منصوریان و آجرلو، ۱۴۰۰: ۵۵). از دل این سازمانهای غیر دولتی سفیرانی جهت موارد مختلف از جمله بهداشت و مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان و پیگیری صلح در مناطق مختلف نیز بیرون می‌آید که کارکردهای رسمی سازمان‌ها و افراد در صلح جهانی بر موارد زیر استوار است: ۱) اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی (ارتباطات)، ۲) جلب مشارکت مردمی، ۳) جذب سرمایه‌ها و منابع کوچک مردمی، ۴) ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی بین دولت و مردم، ۵) گسترش نظارت عمومی، ۶) ارزیابی فعالیت‌ها، ۷) افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع.

اهم اقدامات در این راستا عبارتند از: اقدامات اجرایی همچون عضوگیری، برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی، بهره‌وری از منابع طبیعی و محیط زیست، امور حمایتی از جمله دستگیری از مستمندان و بیماران خاص، درآمدزایی جهت امور خیریه و نمایشگاه‌ها و تحقیقات، اطلاع‌رسانی به صورت خبرنامه و اینترنت و اطلاعیه‌ها که این موارد با فرهنگ‌سازی و برگذاری جلسات مذهبی و تبلیغات و هنر و نیز حفظ آثار باستانی و میراث فرهنگی همراه است و با آموزش عمومی از جمله برپایی کنفرانس‌های آموزشی و کارگاه‌ها و سمینارهای مرتبط و تربیت نیروی متخصص و مشاوره و سخنرانی عمومی و علمی میسر است (منصوریان و آجرلو، ۱۴۰۰: ۵۵۶). البته در کنار این نهادها، مراکز دیگری نیز اقدام به این عمل می‌نمایند، مانند نیروهای انتظامی، سازمان‌های جنگل‌ها و مراتع، اتاق‌های بازرگانی و بهداشت جهانی و ...

شورای اقتصادی و اجتماعی یکی از ارکان‌های اصلی سازمان ملل متحد است که به هماهنگی امور اقتصادی و اجتماعی در چارچوب سازمان ملل متحد و موسسات و نهادهای تخصصی آن می‌پردازد و در همین ارتباط نیز قطعنامه مزبور را به تصویب رسانیده است که صلح و امنیت جهانی را به طور اخص پیگیری و مطالبه نموده است.^۱ کمیسیون‌های پیگیری صلح جهانی با تکیه بر سمن‌ها و افراد ذی نفوذ در کشورهای مختلف به شرح زیر است: کمیسیون توسعه پایدار که در سال ۱۹۹۲ میلادی و به منظور پیگیری موثر کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در برزیل تاسیس شد. کمیسیون وضعیت زنان که مهمترین نهاد سیاستگذار جهانی در حوزه تساوی جنسیتی و پیشرفت زنان است. انجمن دائمی موضوعات مربوط به بومی‌ها که نهاد مشورتی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل است. کمیسیون جمعیت و توسعه در حوزه موضوعات مربوط به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و راهبردهای توسعه جمعیت با شورای اقتصادی و اجتماعی همکاری کرده و به ارائه مشورت می‌پردازد. انجمن سازمان ملل در حوزه جنگل‌ها که مدیریت، حفظ و توسعه پایدار همه انواع جنگل‌ها را بر عهده دارد. کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت جنایی که نهاد مرکزی سازمان ملل متحد

۳. ر ک: وظایف و اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی در منشور ملل متحد

است. کمیسیون مواد مخدر که به موضوعات مربوط به مواد مخدر می‌پردازد و شورای حقوق بشر که نهاد بین‌الدولی مسئول سازمان ملل متحد در حوزه حقوق بشر است.

سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی دو نوع سازمان کاملاً متفاوت را در برمی‌گیرند؛ اولین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی دولتی که آنها را دولت‌های ملی تشکیل می‌دهند و اداره می‌کنند. دومین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی غیردولتی که دولت‌های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره آنها ندارد. امروزه تعداد سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی دولتی را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ مورد تخمین زده اند که این سازمانها در تلاش برای جذب افراد و اشخاص ذی نفوذ و مشهور برای گسترش صلح و امنیت از زبان آنان می‌باشند. در جامعه بزرگ جهانی، سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده دار شده اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده اند و این میسر نمی‌شود مگر با حصول قدرت افرادی که بر مردم و دولتها احاطه دارند. بر این اساس سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولتها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولتها می‌باشد. محل استیلاي قدرت سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی متغیر است ولی هرآنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست. نهادگرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش بینانه‌ای نسبت به نقش نهادهای بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی و توانایی آنها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۸: ۵۹). در نظام تکامل یافته بین‌المللی که حفظ صلح و امنیت در اولویت است، هر روز با مخاطراتی مواجه می‌شویم که این اولویت را به چالش می‌کشد (رجبی تاج امیر و زاده سلطان آباد، ۱۴۰۰: ۹۸).

از مسائل و اهداف اصلی سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی در قرن حاضر رسیدن به صلح جهانی و امنیت دسته جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین‌المللی مهم قرن، سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث اختلال در روند سیستم امنیت بین‌المللی گردید. پس از پایان جنگ سرد نیز جهان وارد یک دوره انتقالی گردید و این وضعیت، زمینه را برای نزدیکی بیشتر ملتها در جهت حل بعضی معضلات فراهم کرد. و در نتیجه سفیران صلح و افرادی که گام در مسیر صلح و امنیت داشتند و نیز سازمانهای مردم نهاد بین‌المللی تمام هدف خود را بر این مساله گذاشتند که با تشکیل کنفرانس به راه حل‌هایی برای رسیدن به صلح و همکاری‌هایی در صحنه جهانی دست پیدا کنند. اگرچه صلح از کهن‌ترین آرمان‌های بشر است، تاریخ بشر مشحون از درگیریها، تعارضات و برخوردهاست. بروز

دو جنگ ویرانگر و خسارت بار به فاصله کوتاهی از هم در نیمه اول قرن بیستم، جامعه بین المللی و افکار عمومی را تکان داد و سبب شد سیاستمداران و حقوقدانان درصدد پیدا کردن راهی برای کاهش تهدیدات و آرامش در جامعه بین المللی برآیند. شاید بدون اغراق بتوان گفت امروزه اولین و مهمترین هدف کشورها در روابط بین المللی، آرامش و برقراری صلح و امنیت است و در این راستا مردم نیز از جنگ و خونریزی و نا امنی گریزان هستند. تا قبل از تحولات اخیر در روابط بین المللی، منبعث از نگاه نظامی که اصطلاح نظام وستفالیایی نامیده می شود صلح و امنیت به معنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، رعایت مصونیت کشورها و نمایندگان آنان، احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی آنان و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تلقی می شده است. در این دیدگاه، به امنیت بین المللی نگاهی محدود می شد که حیطه آن محدود به مرزهای دولت ها بود. از این زاویه، حاکمیت و استقلال دولت ها، مهمترین رکن امنیت بین المللی تلقی می شد. اگر تهدیدی بود عمدتاً نظامی و غالباً این تهدیدات از طرف دولت های دیگر بود و مسئول اولیه تأمین امنیت نیز خود دولت ها با متحدان آنها تلقی می شدند. لذا افراد و اشخاص به طور اخص نقشی در این زمینه ایفا نمی کردند و این محدودیت و سایه سیاست بر امور موجب صلح واقعی نمی شد. لذا افراد ذی نفوذ برا ادای دین و کمک به دولت ها بدون ورود به سیاست و سیاست بازی بصورت سفیر صلح انتخاب می شدند تا به صلح و امنیت بین المللی کمک کنند. منظور از صلح و امنیت در روابط بین الملل، آرامش و ثبات در جامعه جهانی است. امنیت نیز عمدتاً به نوعی احساس روانی اطلاق می شود. که در آن به علت فقدان ترس، وضعیت آرامش اطمینان خاطر حاصل می شود. مثلاً امروزه اتفاقاتی همچون گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی، امنیت خاطر بشر را برهم زده است در صورتیکه پنجاه سال پیش، چندین چیزی قابل تصور نبود. این بدان دلیل است که با گذر زمان، ساختار جوامع بشری پیچیده تر شده و وابستگی افراد بشر و جوامع مختلف به یکدیگر افزون تر شده است. هنگامی که رهبران جهان در سال ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو برای تشکیل سازمان ملل متحد دور هم جمع شدند اذهان آنها عمدتاً متوجه صلح و امنیت بین المللی بود. در واقع اولین خط مقدمه منشور به ضرورت حفظ نسل های آینده از خطرات جنگ اشاره می کند. هدف از نگارش پژوهش حاضر بررسی نقش و عملکرد سازمان - ها و نهادهای بین المللی در زمینه برقراری و تأمین صلح در سراسر نقاط جهان و حفظ نظم و امنیت در نظام بین المللی است.

این طور بیان می شود که دولت ها به برخی موارد که برایشان سودآور نیست توجه ندارند در حالیکه موجب از بین رفتن حقوق افراد و حقوق بشر و صلح می شود و لذا سفیران صلح به این حیطه ورود کرده و از منافع انبای بشر و حقوق واقعی بشر دفاع و دولت ها را به رعایت آن در سطح بین المللی واداشته یا با تذکرات موجب الزام آنها در حفظ صلح و امنیت می شوند.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر تحلیلی-توصیفی است و داده‌های پژوهش با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برگ گردآوری شده است. منابع مورد استفاده اعم از کتب، مقالات و مطالب مندرج بر روی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها ابتدا جمع‌آوری شده و پس از دسته‌بندی و کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در جای مناسب مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. چارچوب نظری

سفیران صلح و افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی در حقیقت بیانگر نوعی فدرالیسم جهانی هستند. در فدرالیسم جهانی ما شاهد تجمع‌هایی هستیم، که عناصر تشکیل‌دهنده آن اشخاص و دولت‌ها هستند که ویژگی دولت بودن خودشان را حفظ کرده‌اند و ضمن حفظ ویژگی خودشان یک نهاد مستقل از خود ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی در واقع، نماد بسیار بارز فدرالیسم جهانی می‌باشند که حیات مستقل و شخصیت حقوقی مستقل از عناصر خود را دارند. بطور خلاصه، "سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی از یک دید شبیه دولت‌های فدرالی هستند که ما در جهان شاهد آنها هستیم، از این دیدگاه که سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی، مجموعه‌ای از نهادها هستند که با یکدیگر جمع می‌شوند و یک نهاد دیگری به وجود می‌آورند، شبیه فدرالیسمی است که ما بین دولت‌ها می‌شناسیم و هر کدام از درون مستقل هستند اما در بیرون و سیاست خارجی خود، به منظور حفظ وحدت و رسیدن به یک امنیت جمعی در بین خود با یکدیگر همکاری و فعالیت می‌کنند (بیگزاده، ۱۳۹۹: ۱) امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیش از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که تا چه حد اشخاص و سفیران صلح وابسته به سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین‌المللی از جایگاه مهمی برخوردارند. اشخاص و سفیران صلح وابسته به سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی از دیرباز در برقراری و حفظ صلح و امنیت تأثیر داشته‌اند و از روش‌های مختلفی به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات استفاده می‌کنند، که شامل روش‌های سیاسی مانند مذاکره، میانجیگری، سازش و با روش‌های حقوقی مانند داوری و رسیدگی قضایی می‌شود (بیگزاده، ۱۳۹۹: ۴) باتوجه به تحولاتی که امروزه در جامعه بین‌المللی رخ داده است، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی غیردولتی و سفیران صلح و افراد مشهور و معروف حامی صلح روز به روز از

اهمیت بیشتری برخوردار می شود و حضور این افراد غیر دولتی ابعاد وسیع تری به خود می گیرد و علت آن هم این است که به ایجاد این سازمانها و گردآمدن سفیران صلح کمک کرده و موجب تشکل و هماهنگی در سطح بین المللی شده و تاثیر به سزایی در روند صلح و امنیت بین المللی ایفا می کنند. در بررسی صلح در جامعه بین الملل نیز افراد و اشخاص و سازمانهای غیردولتی بیش از سازمانهای دولتی به مقوله صلح اهمیت داده اند. قلمرو فعالیت‌های این افراد و سازمان ها از حقوق بشر تا مخاصمات مسلحانه و محیط زیست می باشد که همه به نحوی صلح و آرامش جهانی را هدف قرار میدهند (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۴) هر بار که تغییر عمده ای در جامعه بین الملل حاکم شده است، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی مورد بازنگری مجدد قرار گرفته است. این موضوع در ابتدای قرن بیستم و در سایه تحولات عمده واقع در آن زمان مصداق دارد و هم اکنون نیز در دهه اولیه قرن بیستم و یکم و هزاره سوم تجلی یافته است. در قرن جدید، علاوه بر وجود عناصر و عوامل تکنولوژیک جدید، در عرصه دیپلماسی دولت زدایی شده است. این عنصر مهم و تاثیر گذار باعث گردید در مناسبات صلح، جنگ و ثبات از میان برداشته شود. و سازمانهای مردم نهاد بین المللی دولتی و غیردولتی روی کار آمده اند، که درصدد با گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک خود در صحنه های بین المللی نقش آفرین باشند و محدودیت کارکرد دولت های ملی را در عرصه بین المللی و دیپلماسی برطرف سازند (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۶). از دیدگاه نهادگرایان با افزایش نقش نهادهای بین المللی ما شاهد گسترش همکاری های بین المللی در جهت منسجم ساختن بیشتر جامعه بین المللی می باشیم. برخی از تحلیل گران این دیدگاه ادعا می کنند که جنگ را می توان از میان برداشت و فرهنگ صلح را جایگزین آن کرد. اندیشه های کسانی مانند ویلسون و آنجل بر پایه دیدگاه لیبرال ها در مورد موجودات انسانی و جامعه انسانی است، اینکه انسانها موجودات عقلانی هستند و با عقلانیت به این مهم می رسند که با ایجاد مجموعه ای از سازمانها، همه می توانند از فرهنگ غنی صلح و آرامش و امنیت حاصل از روابط بین الملل بهره مند شوند. همه این مسائل پایه تاسیس سازمانهای مردم نهاد بین المللی از جمله جامعه ملل شد (ساعد، ۱۳۹۹: ۱۶). شکست های جامعه ملل در دهه ۱۹۳۰ موجب تردید پیرامون وجود هماهنگی منافع در برقراری صلح گردید. به همین خاطر تلاش بر این شد که به منظور تامین صلح و امنیت بین المللی ملتها و حل و فصل منصفانه اختلافها، حقوق و سازمانهای مردم نهاد بین المللی با قدرتی کارآمد تلفیق شوند. درک صحیح از مفاهیم صلح و امنیت نه تنها در رابطه با سازمانهای مردم نهاد بین المللی امری ضروری است، زیرا این سازمان ها از تأثیرات بسیار مهمی بر روند تحولات جامعه جهانی برخوردار بوده اند و به مرور زمان نیز بر اهمیت آنها افزوده می شود، بلکه از آنجائیکه فرضیه های متعددی در پی شناخت و نقش و به رسمیت شناختن این سازمان ها به وجود آمده اند، بدون این شناخت نمی توان به خوبی نسبت به میزان تاثیرگذار بودن این سازمانها قضاوت کرد. لذا از آنجایی که جوامع بین المللی و سازمان های تشکیل شده درگیر مسائل سیاسی بین دولتها

واقع شده اند و از مسیر اصلی خود و صلح و امنیت بین المللی خارج و به سوء استفاده برای برآوردن متامع سیاسی خود شده اند لذا افراد و اشخاص غیر دولتی و بالاخص سفیران صلح که از دل سازمانهای مردم نهاد بیرون آمده اند بدون نگاه و تاثیر سیاست به روند صلح و امنیت بین المللی در صدد احقاق حقوق بشر و صلح قدم بر میدارند. مقاله حاضر تلاش خواهد کرد تا با بهره مندی از رهیافت نهادگرایی نولیبرال به بررسی مفهوم صلح و نقش سازمانهای مردم نهاد بین المللی و سفیران صلح و افرادی که با این مقوله در ارتباط هستند، در میزان تامین این مفهوم در جامعه بین المللی امروز بپردازد.

۳. مفهوم صلح و امنیت بین المللی

در ذیل مفاهیم صلح و امنیت بین المللی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۳-۱ مفهوم صلح

صلح حالتی است که در آن، جنگ حکمفرما نباشد (بند ۱ منشور ملل متحد). صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد در روابط بین المللی نیز همین مفهوم را داشت (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۵). لکن ملل متحد، مفهوم آن را وسعت داده و بعنوان «هاد یک نظم بین المللی مبتنی بر عدالت» تلقی کرده است (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۱). صلح در دو مفهوم مثبت و منفی همواره مورد توجه محافل علمی و آکادمیک بوده است. صلح در معنای منفی یا حداقلی به نبود جنگ و خشونت (مانند زمانی که آتش بس برقرار می شود) تعریف می شود. در مقابل، صلح مثبت به معنای تفاهم و ترمیم روابط و مستلزم وجود عناصری مثبت از جمله آشتی، دوستی و همکاری است تا از این رهگذر صلح پایدار برقرار شود (فضائلی و سادات حسینی، ۱۴۰۱: ۴۶۷).

بنابراین از این دیدگاه، صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت. سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه ای که در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کردند امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت ها به مفهوم وجود صلح و امنیت بین المللی نیست، عدم ثبات و پایداری در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نقض حقوق بشر نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی محسوب میشود (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۶). بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۰ منشور ملل متحد، تقویت صلح از طریق توسعه روابط دوستانه بین المللی را بیان می کند که منجر به کاهش علل زمینه های وقوع جنگ و تحکیم صلح جهانی خواهد بود. همانطور که از مفاد مواد ۳۳، ۳۴، ۳۶ و ۳۹ و همچنین ماده ۵۰ منشور برمی آید هدف، حصول این اهداف از طریق مسالمت آمیز بوده است.

۳-۲ مفهوم امنیت بین المللی

بطور کلی واژه امنیت به نوعی احساس روانی اطلاق می شود که در آن به خاطر مبرا بودن از

ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر احساس می شود. در مفهوم کلی، امنیت به برحذر بودن از خطرانی اطلاق می شود که منافع و ارزش های انسانها را مورد تهدید قرار می دهد. پس از انعقاد صلح و ستفالی در سال ۱۶۴۸ و شکل گیری نظام دولت-ملت، مفهوم امنیت ملی در روابط بین المللی مطرح شد و با گذشت زمان و تعمیق روابط بین المللی، مفهوم امنیت بین المللی نیز پا به عرصه حیات گذارد. در گذشته امنیت بین المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می شد. اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می شود. به تبع محدود بودن مفهوم صلح، مفهوم امنیت بین المللی نیز در گذشته محدود بود و از مرزهای دولتها چندان فراتر نمی رفت و مبتنی بر امنیت ملی دولت ها بود. لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت ها مهمترین رکن امنیت بین المللی تلقی می شد. از منظر این دیدگاه، دولتها، هم منشأ اصلی تهدید تلقی می شدند و هم مسئول برقراری امنیت و تامین امنیت ملی بودند. اما با آغاز عصر جهانی شدن، امنیت بین المللی نیز تدریجاً مفهوم و ستفالیایی خود را از دست داد. دیگر منشأ بسیاری از تهدیدات نه دولتها بلکه عوامل و اشخاص دیگری تلقی می شدند. ماهیت تهدیدات نیز از نظامی به ابعاد دیگری همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تسری یافت. افزایش جمعیت، مهاجرت های بی رویه، توسعه فقر، تخریب محیط زیست و گرم شدن کره زمین از جمله عوامل تهدید در دنیای معاصر تلقی می شوند. در عصر حاضر برخلاف مفهوم سنتی امنیت جمعی که بیشتر در مقابل تجاوز بکار می رفت مفهوم امنیت انسانی رواج پیدا کرده است که به معنای ایمنی از تهدیدات جدی دنیای امروز نظیر گرسنگی، بیماری، ستمدیدی و آثار و تبعات زیانبار و ناگهانی ناشی از شکل زندگی جهان معاصر است که باعث گسترش امنیت جهانی از امنیت دولتها به امنیت انسانها و نباتات و گیاهان شده است (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۷).

۴. زمینه های پیدایش سازمانهای مردم نهاد بین المللی

پیدایش هر سازمان و نهاد ملی و بین المللی مبتنی بر نیازها و آرمان هایی است که در عصر پیدایش آن نهادها، زندگی آدمیان را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و زمینه های ایجادشان را فراهم می کند. قرن بیستم را قرن سازمانهای مردم نهاد بین المللی غیر دولتی نامیده اند که سفیران صلح سردمدار آن هستند. سازمانهای مردم نهاد بین المللی در این قرن در شرایطی تأسیس و گسترش یافتند که نیاز به وجود آنها برای تمامی آرزومندان صلح ضروری و غیرقابل اجتناب بود. عمده ترین ضرورتها و انگیزه های پیدایش این سازمانها عبارتند از:

۱. جنگ های بین المللی و خطر بالقوه جنگهای بزرگ در آینده؛

۲. انقلاب تکنولوژی و روابط متقابل در دنیای نوین؛

۳. حفظ و کنترل صلح و امنیت بین المللی توسط قدرتهای عمده (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

امروزه در جامعه بزرگ جهانی، سازمانهای مردم نهاد بین المللی نه تنها در حوزه های فنی،

تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین المللی را عهده دار شده اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده اند که در این راستا سفیران صلح با حمایت این سازمانهای مردم نهاد غیر دولتی نقش آفرینی بسزایی داشته اند. بر این اساس سازمانهای مردم نهاد بین المللی که ماهیت نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می شوند از رهگذر توافق دولتها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می ورزند. در این وادی یک سازمان بین المللی، اجتماعی از دولت ها می باشد. محل استیلای قدرت سازمانهای مردم نهاد بین المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می توان تحت نفوذ این سازمان ها در جامعه بین المللی دانست (مشیرزاده، ۱۳۹۸: ۷۱). نهادگرایان نیز معمولاً دیدگاه خوش بینانه ای نسبت به نقش نهادهای بین المللی در ایجاد و گسترش همکاریهای بین المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمانهای بین المللی افراد غیر دولتی و توانایی آنها می توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۶).

۵. سازمانهای مردم نهاد بین المللی

پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین الملل دستخوش تحولات متعددی گردید. مهمترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمانهای مردم نهاد بین المللی دولتی و غیردولتی و نقش افراد مشهور و معروف در عرصه های مختلف بعنوان سفیر صلح و نیز موارد دیگر را شامل می شوند. پیدایش تکنولوژی پیچیده نظامی بعنوان وسیله ای در خدمت سیاست خارجی دولتها و نفوذپذیر شدن مرزهای کشورها باعث شد که بر نقش سازمانهای مردم نهاد بین المللی و سفیران صلح به منظور افزایش همکاری میان دولت ها افزوده شود. این مسأله به این خاطر می باشد که دولت ها در حال حاضر از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و حتی سیاسی و نظامی آسیب پذیر گشته اند و نمی توانند خود را از جریان های جهانی برحذر داشته و به تنهایی درصدد حفظ امنیت مرزی خویش برآیند. پس از جنگ سرد میخائیل گورباچف نخستین کسی بود که در کتاب خود تحت عنوان به سوی دنیای بهتر از جایگزینی همکاری به جای رویارویی میان شرق و غرب سخن گفت و نیاز دنیای جدید را به همکاری جدید را به همکاری در تمامی زمینه ها مطرح کرد (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۸)، سازمانهای بین المللی و شاخه های آنها همچون افراد و اشخاص غیر دولتی به منظور ایجاد همکاری و تعاون بین دولت ها در زمینه های مختلف از جمله: تبادل اطلاعات، اکتشافات و تجربیات یکدیگر به وجود آمده اند تا دولت ها را در پاسخ به نیازهای اساسی و ارائه خدمات

در سطح جهان یاری دهند که این از عهده یک کشور منفرداً" ساخته نیست. سازمان ملل متحد هسته مرکزی این سازمان ها بوده و نقش آن هماهنگ کردن کلیه همکاریهای بین المللی است. پایان جنگ جهانی دوم، تشکیل سازمان ملل متحد را در سایه همکاری نهادینه کشورهای قدرتمند به منظور ایجاد صلحی پایدار برای جامعه جهانی بشارت داد. این سازمان بعنوان اولین نهاد مدافع صلح در جهان معرفی می شود که اهداف خود را بر چهار اساس استوار کرده است: که با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی، توسعه روابط دوستانه بین الملل براساس احترام به اصل برابری حقوق و خودمختاری ملتها و همکاری بین المللی به منظور حل مسائل جهانی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بشردوستی و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان تأسیس گردید. ملاحظه می شود که پیدایش اولین سازمانهای مردم نهاد بین المللی در جامعه جهانی مهمترین مسأله و دغدغه خود را صلح و امنیت و آزادی مطرح کرده است. سازمان ملل متحد در مدت فعالیت خود اغلب به منظور جلوگیری از وضعیت های خطرناک بین المللی که ممکن بوده است به جنگ منتهی شود، دو طرف متخاصم را به استفاده از شیوه های دیپلماتیک مانند شرکت در مذاکرات به جای توسل به اسلحه ترغیب کرده است. بنابراین سازمان ملل، تاکنون نسبتاً نقش تعدیل کننده و یا آرام بخش در بسیاری از مناقشات بین المللی ایفا کرده است. این نقش، بویژه در بحران برلین (۱۹۴۹-۱۹۴۸) و کوبا (۱۹۶۲) از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اهمیت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سال ۱۹۶۷ در دو منطقه خاورمیانه، پس از آنکه مصر تقاضای خروج نیروهای مزبور را از صحرای سینا نمود، به وضوح مشخص شد؛ زیرا پس از خروج نیروها بلافاصله جنگ در گرفت. در اندیشه نهادگرایی نئولیبرال، سازمانهای مردم نهاد بین المللی قادرند همکاری بین دولت ها را در موضوعات جهان شمول تقویت نموده و مستقل از اراده قدرتهای بزرگ در صحنه بین الملل عمل نمایند (بیگ زاده، ۱۳۹۹: ۳۰). سازمانهای مردم نهاد بین المللی به دو دسته سازمانهای مردم نهاد بین المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می شوند، هر کدام از این سازمانها در زمینه صلح فعالیت های زیادی داشته اند اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمانهای غیردولتی در تأمین صلح جهانی می باشیم. این نوع سازمانها، عمدتاً دارای انگیزه های بشردوستانه بوده و قادر به ایجاد ثبات و نگهداری صلح جهانی هستند. به منظور حفظ بیطرفی، اغلب این نهادها، رویهای بیطرفانه پیشه کرده و در خارج از مجموعه دولتی مبادرت به همکاری و فعالیت می نمایند. برخی از این تشکیلات عبارتند از: سازمانهای مردم نهاد بین المللی مذهبی مانند: سازمان های کلیسای کاتولیک و واتیکان، تشکل های اسلامی، مذاهب دیگر در چارچوب فدراسیون های دینی، انجمن بین المللی وکلای دادگستری، فدراسیون جهانی انجمنهای طرفدار ملل متحد، اتحادیه بین المجالس و سازمان بین المللی اتحادیه های کارگری اما از میان آنها گروه هایی نظیر آکسفام، در زمینه نجات کودکان و جامعه تاکنون در کشورهای اوگاندا، کامبوج، سودان کمک های انسانی مهمی را ارائه کرده اند.

از زمان تأسیس سازمانهای مردم نهاد بین المللی تاکنون با هر نوع مشکلی که امنیت جهانی را نقض کرده است برخورد کرده اند و در این زمینه راهکارهای مختلفی ارائه کرده اند، یکی از موارد تهدیدآمیز صلح به خصوص در عصر کنونی جامعه جهانی، بحث تروریسم است که در این زمینه بیشتر سازمانهای مردم نهاد بین المللی، اعمال تروریستی نظیر قتل، گروگانگیری، هواپیمارمایی و تخریب اموال و اماکن، حقوق بشر و آزادی های اساسی را نقض کرده و روابط بین الملل را تحت تأثیر قرار داده است. ماهیت جهانی این مسأله، جامعه بین المللی را وادار به انجام اقداماتی برای مقابله با تروریسم کرده است. گرچه اقدامات مختلفی اعم از یکجانبه، دوجانبه و یا منطقه ای برای کنترل تروریسم صورت گرفته، اما در نگاه رویکرد نهادگرایی نولیبرال، اقدامات همه جانبه مشارکت تمامی دولت ها در مبارزه با تروریسم امری اجتناب ناپذیر است و مناسب ترین مکان برای حل این مشکل جهانی، سازمان ملل متحد است. با افزایش اعمال تروریستی، دولتها به اهمیت سازمان های جهانی در مقابله با تروریسم پی برده اند. عمده ترین نتیجه پاسخ حقوقی جامعه بین المللی، انعقاد کنوانسیون هایی است که در صدد تنظیم یا توسعه صلاحیت کیفری دولتهای عضو نسبت به اعمال مختلف تروریستی و در نهایت مجازات متهمین به ارتکاب چنین بعنوان مهمترین دلیل تهدید امنیت و صلح جهانی مطرح شد و جامعه جهانی تنها از طریق فعالیت های جمعی سازمانها توانست از میزان این تهدیدات بکاهد و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث دیگر شبیه به این موضوع، اقداماتی را انجام دهد. در واقع فعالیتهای سازمان ملل و دیگر سازمانهای غیررسمی مدافع صلح، در آماده کردن افکار جامعه جهانی به منظور مبارزه با تروریسم بسیار تأثیرگذار بوده است.

۵-۱ تروریسم و سازمانهای مردم نهاد بین المللی

ترور با اشکال مختلف اش با پیدایش بشر موجودیت یافت و در طول تاریخ انسانهای زیادی را از صحنه گیتی حذف و جوامع انسانی را با ناامنی و وحشت روبرو ساخت. شاید محسوس ترین فرآیند پدیده فوق، ایجاد بی ثباتی و تزلزل در روابط میان انسان ها و به تبع آن بی اعتمادی آنها نسبت به عواطف و احساسات بشری و نوع دوستانه باشد؛ اما ایجاد ارباب و حذف رقبا از صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از عمده ترین انگیزه های این حرکت ضدانسانی می باشد که تاکنون نیز اینگونه بوده است. بعد از تشکیل سازمان ملل متحد و عضویت اکثر کشورهای جهان و پذیرش منشور ملل متحد از سوی آنان، مبارزه با تروریسم در سطوح بین المللی برعهده این سازمان نهاده شد. همه کشورها دریافته اند که تنها از طریق همکاری جهانی می توان به مبارزه علیه تروریسم برخاست، که تاکنون این همکاری با سازمانهای مردم نهاد بین المللی و محوریت سازمان ملل متحد در موارد متعددی به انجام

رسیده است که نقش سفیران صلح نیز چشمگیر می‌نموده است (سرمست، ۱۳۸۸). در حیطه سیاسی مجمع عمومی همه اعمال تروریسم بین الملل را به دفعات محکوم کرده است. کنوانسیون بین المللی علیه بمب گذاری تروریستی، که در سال ۱۹۷۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، مقرر می‌کند که دولت‌ها، متهمان به بمب گذاری تروریستی را باید تحت پیگرد قانونی قرار دهند یا آنها را به کشور اصلی شان تسلیم کنند. اعلامیه درباره اقدامات برای رفع تروریسم بین المللی مصوب سال ۱۹۹۴ نیز حرکتی واقعی در زمینه اقدامات ملی و بین المللی است، که در مقابله با تروریست باید توسط دولت‌ها اجرا گردد از دیگر سازمان‌های مدافع صلح در برابر تروریسم و جنگ سازمان عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر میباشد که در این زمینه فعالیت‌های زیادی کرده‌اند. و اخیراً هم در میانمار فعالیتهای گسترده‌ای را به منظور حفظ صلح انجام داده‌اند. از این جهت می‌توان نتیجه گرفت که بعد از وقوع حوادث یازده سپتامبر به دلیل مطرح شدن تروریسم بعنوان یک عامل تأثیرگذار و مختل کننده صلح و آسایش جهانی، سازمانهای مردم نهاد بین المللی نقش مهمتری را در ذهن افکار عمومی ملت‌ها به منظور حمایت از امنیت جامعه جهانی بازی کرده‌اند و مسئولیتهای مهمتری پیدا کرده‌اند. چرا که اگر این نهادهای حامی جهانی وجود نداشتند، ایجاد اتحاد و همبستگی بین دول به منظور همکاری و صلح به آسانی امکان پذیر نبود. و این مسأله با مقایسه قبل و بعد از ایجاد سازمان‌های بین المللی به وضوح مشخص بوده است.

۶. صلح جهانی

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارد که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبروست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیتهای انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد (نمامیان و سهراب بیگ، ۱۳۹۱: ۷) صلح در نظام حقوق بین الملل اساساً "صلح بین المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیتهای صرفاً ملی به نفع صلاحیت‌های بین المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه پاره‌ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می‌شود که صلح بین المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در

روابط بین دولتها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولتها و ملتها و همچنین در روابط بین انسانها نیز هست. امروزه اولویت جامعه بین المللی و حقوق حاکم بر آن، صلح فراگیر بین المللی و نه تنها منطقه ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین المللی و ملتها و تمدن های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین کننده دامنه صلح دانست (ساعد، ۱۳۹۹: ۲۷)

۷. نقش و عملکرد سازمان های مردم نهاد بین المللی در تأمین صلح جهانی

حقوق بشر صلح و امنیت بوجود می آورد که سایه جنگ را کم کرده و موجب ثبات جامعه بین المللی می شود همانطوری که حقوق بشر در میان مردم آمریکای شمالی و مردمان تمامی کشورهای اروپایی میسر است (ثقفی عامری، ۱۳۹۶: ۸۷). نهادهایی که در آن زمان، مسئولیت تشکیل چنین اجتماعی را برعهده داشتند، اتحادیه اروپای غربی، شورای اروپا، جامعه اروپایی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو بودند که می بایست در برابر بی ثباتی های ناشی از اختلافات اقتصادی و منازعات ملی گرایانه، راهکارهایی را ارائه می دادند. رهبران کشورهای ناتو، راه حل برون رفت از بحران های جدید را در بکارگیری همزمان سه رهیافت گفتگو، همکاری و حفظ توان دفاع جمعی می دانستند (کولایی و تیشه یار، ۱۴۰۰: ۷۱). سازمان کنفرانس اسلامی یکی از سازمانهای بین دولتی مهم به خصوص در بین کشورهای اسلامی میباشد این سازمان بطور اخص در نقش آفرینی ایران بعنوان ریاست پیشینی سازمان در حل بحران های منطقه ای، بحران سوریه و ترکیه، کوزوو و حل مسائل و مشکلات فلسطینیان، لیبی، افغانستان و عراق. کسب موفقیت های افتخار آفرینی در این عرصه ها داشته و پتانسیل بالقوه و نهفته، این سازمان را فراروی صاحب نظران و نظریه پردازان سیاسی قرار داده است که می تواند با بهره گیری بهینه از آن بیش از آنچه هست در عرصه بین المللی به ایفای نقش پردازد. یکی از اولویت های مهم سازمان کنفرانس اسلامی، تلاش برای رفع تنش و اختلاف میان کشورهای عضو سازمان بوده است. همچنین همایش ژنو اولین تجربه موفق سازمان کنفرانس اسلامی در انجام اقدامی جمعی و محتوایی در زمینه حقوق بشر در تعامل با سازمان ملل متحد محسوب می شود (رحمانی، ۱۳۹۰: ۲). باید یادآور شویم مطالعه و بررسی نظام های منطقه ای از آن جهت دارای اهمیت می باشد که شناخت مسائل منطقه ای، تعاملات، جهت گیری و همکاری های منطقه ای به تصمیم سازان و تصمیم گیران در تدوین استراتژی های کشورها و همکاری های منطقه ای کمک همه جانبه ای می نماید. ارزیابی و مرور یک سازمان بین المللی و نهاد همگرا به نام اتحادیه آفریقا که بیش از چهار دهه از تأسیس ابتدایی آن با عنوان سازمان وحدت آفریقا می گذرد و به نوعی نخستین تجربه همگرایی در قاره آفریقا با استفاده از مدل منطقه گرایی منطقه ای و بهره گیری از الگوی نو کارکردگرایی می باشد ما را در شناخت تأثیر

نهادهای همگرا در قرن حاضر یاری می نماید. سازمان وحدت آفریقا در ابتدای کار فعالیتهای خود را بر اهداف سیاسی که در ماده دوم اساسنامه آن ترسیم شده بود، متمرکز کرد. در این چارچوب این سازمان نقش عمده ای در استعمارزدایی از قاره آفریقا، حل و فصل مسالمت آمیز منازعات مرزی کشورهای این قاره، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اعضا و مبارزه با آپارتاید ایفا کرده است. امروزه دیگر داده های سیاسی به تنهایی نمی توانند ساختارهای نوینی در نظام بین المللی ایجاد نمایند بلکه این بازیگران همگرا هستند که با بهره گیری از حاصل جمع قدرت واحدهای سیاسی می توانند در ماهیت نظام بین الملل نقش ایفاء نمایند و این اتحادیه آفریقا بوده است که با فرآیندی طولانی و پرهیز از خلق ناگهانی در صدد نهادینه ساختن همگرایی نوین در آفریقا بوده است و تاکنون توانسته با نگاهی عملیاتی گام های موثری را در جهت اهداف والای خود که توسعه پایدار و تأمین صلح و امنیت آفریقا می باشد را بردارد (پوراحمدی، ۱۳۹۶: ۶۱). بر این اساس می توان گفت تلاشهای بسیار زیادی از جانب سازمانهای مردم نهاد بین المللی و سفیران صلح و افراد معروف در عرصه های سیاسی و ورزشی و سینمایی برای برقراری صلح در جهان انجام گرفته در بالا به ذکر تعدادی از آنها پرداخته شد.

هدف اصلی در این پژوهش، بررسی میزان کارکرد سازمانهای مردم‌نهاد بین‌المللی و سفیران صلح در تأمین صلح جهانی می‌باشد این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد که چگونه سازمانهای مردم‌نهاد بین‌المللی و سفیران صلح پس از پایان جنگ سرد، در تأمین صلح جهانی، می‌توانند تأثیرگذار باشند. فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که با وجود حقوق و وظایفی که سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و سفیران صلح و افراد و اشخاص غیر دولتی در چهارچوب قوانین خود برای دولت‌ها وضع کرده‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین صلح جهانی دارا می‌باشند. امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمانهای مردم‌نهاد بین‌المللی و بازیگران غیر دولتی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمانی نباشد و با سیاست بازی به اهداف خود نرسد که موجب نقض حقوق دیگران می‌شود و این سازمانهای غیر دولتی و افراد غیر دولتی هستند که فقط به صلح و امنیت کلیه انبای بشر توجه داشته و فارق از سیاست به کمک دولتها یا در مقابل دولتها قرار گرفته تا به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر به صلح و امنیت بین‌المللی کمک کنند. پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین‌الملل دستخوش تحولات متعددی گردید.

مهمترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمانهای مردم‌نهاد بین‌المللی دولتی و غیردولتی و موارد دیگر را شامل می‌شوند. سازمانهای مردم‌نهاد بین‌المللی و اشخاص وابسته به این نهادها در لوای سفیران صلح به دو دسته سازمانهای مردم‌نهاد بین‌المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند، هرکدام از این سازمانها در زمینه صلح فعالیت‌های زیادی داشته‌اند اما امروز به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان غیردولتی در تأمین صلح جهانی و سفیران صلح در کشورهای مختلف بدون زیر مجموعه قرار گرفتن در زمره دولتها می‌باشیم. جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارند که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبروست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیتهای انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد.

امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد. سازمان‌های زیادی در راستای حفظ و بسط صلح در جهان به وجود آمده‌اند که اقدامات با ارزش و موثری را در این راستا انجام داده‌اند. با توجه به مدارک و شواهد تاریخی در این پژوهش سعی شد تا به این موضوع پرداخته شود و به عملکردهای بعضی از مهمترین سازمان‌ها مانند سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک

شمالی، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه آفریقا که در زمینه حفظ و ثبات صلح اقداماتی را انجام داده اند اشاره شد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب ها

- اشرافی، داریوش (۱۳۹۳)، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، س ۱۵، ش ۴۲.
- امینی، ثریا (۱۳۹۹)، جوانان گذشته، حال و آینده، مجموعه مقالات کنفرانس علوم اجتماعی، تهران.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۹)، سازمان های بین المللی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۹۶)، سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۹۶)، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.
- رحمانی، مسعود (۱۳۹۰)، نقش ایران در ارتقای موقعیت جهانی کنفرانس اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۸)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- منصوریان، مصطفی و اسماعیل آجرلو (۱۴۰۰)، تشکیلات و بایسته های حقوق داخلی و بین المللی سازمان های مردم نهاد، تهران، پژوهش عدالت.

ب) مقالات

- رجبی تاج امیر، ابراهیم و زاده سلطان آباد، محمدرضا (۱۴۰۰)، دفاع مشروع پیشدستانه در برابر گروه های غیردولتی از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه علمی تحقیقات حقوق بین المللی، دوره چهاردهم، شماره ۵۳، ۹۷-۱۱۵.
- ساعد، نادر (۱۳۹۹)، حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۸)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی، تهران، انتشارات سمت.
- سرمست، بهرام (۱۳۸۸)، «بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین

- طلویی مقدم، احمد و داودی گرمارودی، هما (۱۴۰۰)، نگاهی تطبیقی به کارکرد سمن‌ها در پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره چهاردهم، شماره ۵۲، ۲۱-۴۱.

- کولایی، الهه و تیشه یار، ماندانا (۱۴۰۰)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها، تهران: نشر دانشگاه تهران.

- غفوری، محمد (۱۳۸۳)، «عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل نوین»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی.

- فضائی، مصطفی و سادات حسینی، نرگس (۱۴۰۱)، «دوگانگی صلح و عدالت در وضعیت‌های پس از مخاصمات داخلی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۱، صص ۴۶۳-۴۸۳، DOI: 10.22059/jpls.2021.313703.263

- نمایان، پیمان و سهراب بیگ، محمد (۱۳۹۱)، «مبارزه با تروریسم؛ راهبردی موثر در تحقق صلح عادلانه جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی-سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، ش ۶.

۲. انگلیسی

- Kennedy's, Libya V. United States, The International Court of Justice and the Power of, Judicial Review, 33 Vancouver Journal of International Law, (1993), p906.
- Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) Notwithstanding Security Council Resolution 276 (1971), Dissenting Opinion of Fitz Maurice, Sir Gerald, ICJ Reports, (1971), p. 294.
- Thamminaina, A. (2018). *Catalysts but Not Magicians: Role of NGOs in the Tribal Development*. SAGE Open, 1-7.
- Davidson, Elias, "Legal Boundaries to UN Sanctions" (winter 2003) No. 4, The International Journal of Human Rights, Vol.7, p.7.
- Blanch, Andrea i, "Assessing the Effectiveness of the UN Security Council's Anti Terrorism Measures: The Quasi for Legitimacy and Cohesion" (2005) No. 5, the European Journal of International law, Vol.17, p.5.
- UNSC Res 1296 (19 April 2000) UN Doc S/RES/1296; UNSC Res 1314 (11 August 2000) UN Doc S/RES/1314.
- Frowein, J., and N. Krisch, "Article 39", in: Simana, B. (ed), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, 2nd edn, Oxford, Oxford University Press, 2002, Vol I, p. 725; "International Law and the NATO Intervention in Kosovo", 49 ICIO 926, 2000, p. 930.
- Ogata, S., "International Security and Refugee Problems after the Cold War, Assuring the Security of People: The Humanitarian Challenge of the 21st Century", Olof Palme Memorial Lecture, Stockholm, 14 June 1995.
- The International Court of Justice in Military and Paramilitary Activities and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits (1986) ICJ. Rep 14 (Nicaragua), para. 202.

- Brownlie, op.cit., No. 7, p. 291; and see: McGoldrick, op. cit., 14, p. 86.

۳. اسناد بین المللی

The Chapter of the United Nations, 26 June 1945.
ECOSOC Resolution 1996/31, 25 July 1996.